

هویت تهران

روزهایی که فلکه دوم صادقیه خاکی بود

باور کردنی نیست، اما این تصویر متعلق به محدوده فلکه دوم صادقیه یا همان آریاشهر سابق در سال ۱۳۵۶ است. در قاب عکس، نشانه‌هایی از بلوار ای‌تالله کاشانی (خیابان آتاتورک سابق) به سمت شهرزیبا نیز دیده می‌شود. اگر از اهالی قدیمی صادقیه هستید، شاید چهره‌های حاضر در این تصویر برایتان آشنا باشند.



میدان فردوسی، سال ۱۳۴۵

نخستین مجسمه‌ای که از فردوسی در میدانی به نام این شاعر بزرگ نصب شد تندبسی از فردوسی در حالت نشسته و ساخته هنرمندی هندی بود. چندی بعد مجسمه‌ای جدید با حالتی انقلابی و پرشور ساخته غلامرضا حیدرزاده ارژنگ جای آن را گرفت؛ همان مجسمه‌ای که در این تصویر مربوط به سال ۱۳۴۵مشاهده می‌کنید، اما این اثر نیز چندان نپایید و در دهه ۵۰، تندیس کنونی اثر ابوالحسن صدیقی در میدان فردوسی جاودانه شد.



هشتگ روز

بهنوش طباطبایی نمایش دفاع و بادیگارد

فهیمة طباطبایی | روزنامه‌نگار | اگر اهل شبکه‌های اجتماعی باشید، تالان قطعا ویدئوها و عکس‌های مربوط به جلسه دفاع رساله دکتری بهنوش طباطبایی، بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون را دیده‌اید. جلسه‌ای در دانشگاه آزاد اسلامی که خاتم باز یگر، چندین عکس و فیلم از زوایای مختلف آن منتشر کرده و همین ماجرا باعث بحث‌ها و نقدهای زیادی از سوی کاربران شبکه‌های اجتماعی شده است.

نمایش با دفاع از علم

اولین بحثی که کاربران روی آن نقد دارند، این است که خاتم باز یگر، این جلسه دفاع است یا نمایش دفاع؟ کاربری نوشته: «خاتم طباطبایی! شما هم مثل هزاران دانشجوی این مملکت که از رساله خود دفاع کرده و می‌کنند، دفاع کردی این همه دوربین عکاسی و فیلمبرداری از لحظه ورود و پشت تریبون تا دقایق دفاع و گرفتن نمره و عکس یادگاری برای چه؟ می‌توانستی نهایتا یک عکس بگذاری و از دفاع رساله خود خبر بدهی و تمام!» کاربر دیگری نوشته: «جالب است که شما دکتری روانشناسی ات را گرفته‌ی نمی‌دانی همین کار شما چه تأثیر منفی بر جامعه دانشجویان می‌گذارد، این میزهای پرطمطراق پذیرایی و هدیه‌دادن به استادان در روز دفاع کم بود، از فردا گروه فیلمبردار است که دانشجویان برای روز دفاع خود می‌آورند که آن روز را ضبط و ثبت تا در چشم دوست و آشنا فرو کنند؛ ای کاش شأن دانشگاه و علم آموزی را حفظ می‌کردید و همه چیز را به یک نمایش مبتذل تبدیل نمی‌کردید.»

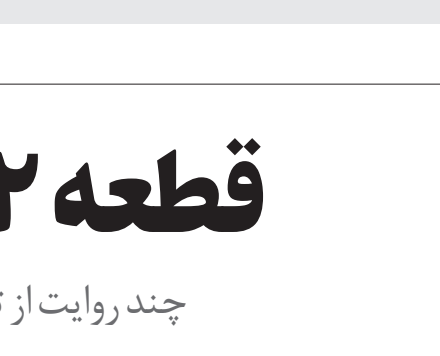
بادیگارد چرا؟

نکته دومی که کاربران شبکه‌های اجتماعی نسبت به آن نقد داشتند، حضور بادیگارد همراه خاتم باز یگر در دانشگاه و جلسه دفاع است؛ موضوعی که خشم دانشجویان را به همراه داشت. «کاربری خود خبر بدهی و تمام!» کاربر دیگری و روانشناس چه فکری کردی که با بادیگارد وارد حریم دانشگاه شدی؟ مگر در دانشگاه چه خطری شما را تهدید می‌کرد که فکر کردی باید بادیگارد داشته باشی؟ متأسفم برای آن مدیر گروه و هیأت داوران که مسحور شهرت شما شده و نسبت به این اقدام زشت و زنده شما واکنش نشان ندادند.»



با خون پاکش وضو گرفت

شهید امیرسپیدی حین عملیات شناسایی در محل فرودگاه کشاورزی شهرستان اسدآباد ۲۴ خرداد بر اثر اصابت موشک پهپاد رژیم صهیونیستی به شهادت رسید. دوستانش می‌گویند: «نزدیک اذان ظهر بود. اذان را که گفتند امیر به شهادت رسیده بود. او شفته نماز بود و بالاخره با خون پاکش وضوگرفت و به دیدار حق شتافت.»



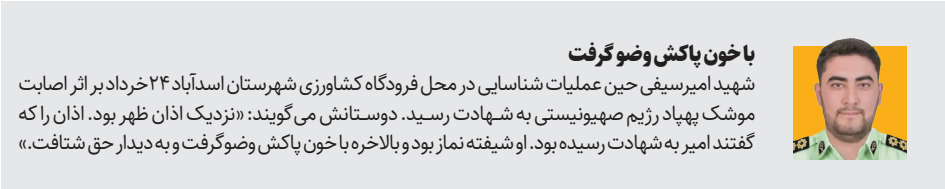
مرضیه کیان | روزنامه‌نگار | وقتی تهران هنوز در خواب عمیق صبحگاه پاییزی بود، خبرنگاران در سالن مانیورینگ بهشت زهرا(س) گردهم آمدند تا مراسم دیدار از روند بهسازی گلزار شهدا با مستندی از نخستین ساعات جنگ ۱۲روزه آغاز شود؛ روایتی تصویری از فعالیت‌های سازمان بهشت زهرا(س) در آن روزهای آتش و خون. سسکوتی معنوی و نمناک از آتشک‌های بی‌امان، حاضران را به روزهای غمبار و در عین حال حماسه‌ساز مقاومت ملی در جنگ ۱۲روزه پر تاب کرد.

ساخت معراج شهدا

میثم کشکولی، مسئول معراج شهدای بهشت زهرا(س)، روایت خود را از انگیزه و هدف ساخت معراج شهدا آغاز می‌کند: «قبل از شروع جنگ ۱۲روزه، با توجه به الزام و دستور مدیریت بحران سازمان بهشت زهرا(س) و با همکاری اداره امور ایثار گران سپاه، سردخانه و معراج شهدا ساخته شد که پشتیبانش سپاه پاسداران بود. از ابتدای جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی، اینجا محل نگهداری پیکرهای شهدا و تکریم خانواده‌های آنها بود.» ورود به سالن انتظار، صحنه‌ای از همدلی ملی را در ذهن زنده می‌کنند؛ سالی که میزبان سازمان‌ها و نهادهای مختلف است؛ از بنیاد شهید و پزشکی قانونی و مرکز ژنتیک سپاه پاسداران گرفته تا ستاد نیروهای مسلح و شناسایی هویت پلیس. کشکولی تأکید می‌کند در هیاهوی جنگ ۱۲روزه، نقش گروه‌های جهادی بنیاد فراموش نشود؛ یک گروه با شربت، چای و آب خنک از دل‌های پرغم پذیرایی می‌کردند، گروهی دیگر با نام «مجموعه پناه» متشکل از روانشناسان و روانپزشکان، دمی با خانواده‌ها می‌نشستند و در تسکین آلام‌شان می‌کوشیدند و یک گروه جهادی پزشکی نیز آماده بودند تا به عزا دارانی که حالشان خوب نبود، امدادرسانی کنند.» ورود به غسالخانه و سردخانه معراج شهدا، اما به منزله ورود به دنیایی غریب بود؛ جایی که پیکر شهیدان گمنام و پاره‌پیکرهای جمع‌آوری شده از محل حادثه که اخیرا شناسایی شدند، همچنان منتظر تشریفات آخر هستند.

افزایش چشمگیر حضور زائران بر مزار شهدا

دقایقی پس از اینکه با همکاران رسانه‌ای وارد «خانه شهید» می‌شویم، مدیرعامل سازمان بهشت زهرا(س) با تأکید بر نقش‌آفرینی مؤثر نخبران فرهنگی و رسانه‌ای در تبیین آرمان‌های شهدا، می‌گوید: «اگر قرارت اسخون شهدا در جامعه جاری و



قطعه ۴۲؛ نماد وحدت ایران

چند روایت از تحول خدمت‌رسانی به خانواده شهدا در بهشت زهرا(س)



ضرورت بازیرایی و مرمت مزار شهدا
وقتی به قطعه ۴۲، آرامگاه ابدی شهدای جنگ اخیر می‌رسی، نمادی از وحدت ایران اسلامی جلوی چشمانت زنده می‌شود؛ جایی که خانواده‌ها با پوشش‌های متفاوت، اما با داغی واحد با روایت حماسه ملی، گردهم جمع شده‌اند. پوریا علوی، مدیر گلزار شهدای بهشت زهرا(س) در طول مسیر از قطعه ۴۲ تا قطعه ۱۲۴، اهمیت مرمت گلزار شهدا را توضیح می‌دهد و می‌گوید: «این مزارهای مطهر با سنگ‌ها، حجاری‌ها و حمله‌ها نشان، میراثی ملی به شمار می‌روند که حفظ و صیانت از آنها با اجرای استانداردهای مرمت و احیاء ضروری است.»



اثر گذار باشد، باید افراد تأثیر گذار، مسئولیت خود را با بصیرت و تعهد ایفا کنند.» محمدجواد تاجیک با اشاره به ضرورت حفظ و انتقال میراث معنوی دفاع‌مقدس، پیشنهاد می‌کند: «گردآوری و انتشار خاطرات، وصایا، تصاویر و روایت‌های ناب از شهدا در قالب بانک ایده یا هر بستری شبیه به آن می‌تواند نقش مهمی در خلق آثار فاخر و جلوگیری از فراموشی رشادت‌های ملت ایران، به‌ویژه در جنگ تحمیلی اخیر ایفا کند.» وی از نامگذاری معابر گلزار مطهر شهدا به نام مناطق عملیاتی دوران دفاع‌مقدس و گسترش طرح گویاسازی این معابر برای معرفی محل شهادت شهدا به زائرین خبر می‌دهد و می‌افزاید: «هم‌اکنون گردآوری آثار مکتوب و تصویری شهدای مدفون در گلزار مطهر شهدا در دستور کار قرار دارد و نمادگذاری مزار بیش از ۴۰۰ شهید در قطعات عمومی نیز در حال اجراست.» مدیرعامل سازمان بهشت زهرا(س) با بیان اینکه پس از جنگ تحمیلی رژیم صهیونیستی، حضور زائران در این مکان مقدس افزایش چشمگیری داشته است، از اعلام آمادگی سازمان بهشت زهرا(س) در زمینه روانتگry، برگزاری نشست‌های گفت‌وگامی و رونمایی از آثار فرهنگی و هنری مرتبط با شهدا خبر می‌دهد.

درحالی‌که وزارت نیرو و شرکت آب هشار می‌دهند که به‌علت کاهش شدید بارش‌ها در پاییز، آب کم است و شهروندان را به صرفه‌جویی و همراهی دعوت می‌کنند؛ بسیاری از مردم هم با توجه به شرایط جوی این موضوع را کم و بیش پذیرفته و صرفه‌جویی را

پیشه خود کرده‌اند موضوع دیگری هم مطرح شده و آن کیفیت بسیار پایین آب مصرفی خانگی در بعضی از مناطق و شهرهاست. روایتی که مردم از تجربه خود دارند و عکس‌هایی که هرازگاهی از وسایل برقی مانند دستگاه تصفیه آب، کولر و پکیج خود منتشر

پهلوانی به سبک زنانه

درباره زن میوه‌فروشی که در گود زور خانه با کباده و میل ورزش می‌کند

به آینده ورزشی‌او امیدوار بودند. آینده‌ای که حالا اتفاق افتاده اما در یک رشته ورزشی متفاوت. این روزها بسیاری، فاطمه اثباتی، بانوی ۴۴ساله اردبیلی را با وجود محدودیت‌هایی که برای فعالیت رسمی زنان در گود زور خانه وجود دارد با عنوان نخستین باستانی‌کار و پهلوان زورخانه‌ای زن کشور می‌شناسند. او که با همه حکم‌های قهرمانی‌اش در رشته پاورلیفتینگ، مدرک بین‌المللی اسکورت و مراقبت اشخاص (بادیگارد) همراه همسرش با وانت میوه می‌فروشد.

زن، زورخانه و پهلوان زندگی‌های سخت

این بانوی اردبیلی هم‌زمان با پیگیری رشته پاورلیفتینگ، مدرک بین‌المللی اسکورت و مراقبت اشخاص یا همان بادیگاردی را هم گرفت و به‌عنوان داور در لیگ‌های استانی مجانداز، بدنسازی و کشتی ژاپنی حضور دارد. از مادرانگی نیز برای پسر و دخترش کم نگذاشته؛ تا به امروز که دخترش کاراته‌کاست و پسرش هم اهل درس و مدرسه. فاطمه بی‌توجه به هزاران لایکی که به پست‌های زورخانه‌ای‌اش زده می‌شود، هر روز پیش از تمرین میان گود، همراه همسر خود به میدان میوه و تره‌بار می‌رود تا عقب وونت کهنه‌شان را با میوه‌هایی به قیمت عمده پر کنند. سود کم حاصل از فروش آن میوه‌ها که در کوچه و خیابان‌های شلوغ شهرشان می‌فروشند، رزق روزشان است؛ رزقی که دور چیشن این جملاتند: «...شما را می‌شناسم؛ همون خانمه که کباده می‌کشد»، «حالات باشه هر کول» و «زن و زورخانه یعنی بافوی پهلوان که توی سختی با شوهرش می‌مونه.»

وناگهان، گود زورخانه

ورزش باستانی و زورخانه‌ای، اتفاقی بود که ناگهان و بعد از ازدواج فاطمه پیش آمد: «خانم‌های همسایه را تشویق کردم تا صبح‌ها در پارک محل (یوسف‌آباد) ورزش کنند؛ آمادگی جسمانی و دوومیدانی، بهشان آموزش و برنامه‌های تخصصی می‌دادم. همه فکر می‌کردند گواهی مربیگری دارم اما من فقط علاقه داشتم و پشتکاری که باعث می‌شد درباره هر رشته ورزشی مطالعه و تحقیق کنم.» هوا که سرد شد فاطمه دست تیم ۳۰۰ نفری بانوان محل را گرفت و برد به نزدیک‌ترین باشگاه ورزشی شهرداری: «چشمم به گود زور خانه باشگاه که افتاد ناخودآگاه زمینش را بوسیدم و داخل شدم؛ درست مانند باستانی‌کارانی که تا آن زمان عکس و فیلم‌شان را دیده بودم. میل زدم و در خیبر (سنگ زورخانه‌ای) را بالای سرم بردم. یکهو به‌خودم آمدم که این همان ورزش دلخواهم است و من همه این سال‌ها انگار گمش کرده بودم.» بعد از آن تکلیف فاطمه روشن شد؛ صبح‌ها میوه‌فروشی، ظهرها خانه و خانه‌داری، عصرها هم باستانی‌کاری. این میان در مسابقات محلی و استانی، شرکت و قهرمانی‌هایی هم کسب می‌کرد تا اینکه کلبیی از میل زدن حرفه‌ای او در شبکه‌های مجازی پربازدید شد.

صف موافقان و مخالفان دراز است

زندگی فاطمه به قبل و بعد از انتشار کلیپ میل زدنش با رعایت همه شئونات شرعی و اصول پهلوانی تقسیم شد. قبلیش که کسی او را نمی‌شناخت و مخالفان و موافقانی مقابلش صف نکشیده بودند و بعدش که به شهرت رسید و او را بانویی پیشگام (حرفه‌ای‌تر از معدود بانوان باستانی‌کار) در ورزش باستانی دانستند: «حدود سال ۱۳۹۲ که عکس‌ها و فیلم‌های ورزش زورخانه‌ای من وایرال شد بعضی مسئولان این حوزه به‌صورت غیر رسمی، حکم قهرمانی بهم دادند و بعضی دیگر، همچنان مخالفت داشتند اما همسرم با آنکه گاهی برهیز حرف مردم را داشت همیشه حامی‌ام بود.» حالا روزی نیست که فاطمه کامنت‌هایی اینچنین دریافت نکند: «شما آموزش هم می‌دید؟ دخترم طرفدار شلمست»، «شیرزن ایرانی، پرچمت بالااست» و بسیاری دیگر.»



آب، هم کم است و هم بی‌کیفیت

